

A Comparative Exegesis of the “Accursed Tree” (Q 17:60) in the Light of Shi‘i and Sunni Narrations and Commentaries

Reza Mahdianfar

Abstract

Verse 60 of Surah al-Isra’, which refers to the two expressions “*the vision We showed you*” (*al-ru’yā allatī araynāka*) and “*the accursed tree in the Qur’an*” (*al-shajarah al-mal’ūnah fī al-Qur’ān*), is among the most debated and controversial verses in Islamic exegetical literature. The present study, adopting a comparative approach and based on an analysis of Shi‘i and Sunni narrative-based commentaries, re-examines the conceptual meaning and the concrete referent of the term “*accursed tree*.” Since this expression in the verse is directly linked to the aforementioned prophetic vision, the investigation of “*the vision We showed you*” is also treated as an essential component of this research.

The findings indicate that both Shi‘i and Sunni scholars agree on the occurrence of the Prophetic vision—namely, the Prophet’s witnessing of a group standing upon his pulpit—and they also concur in interpreting this event as “*a trial for the people*.” However, the two exegetical traditions diverge fundamentally in identifying the concrete referent of the “*accursed tree*.” Shi‘i commentaries, relying on widely transmitted narrations from the Imams of the Ahl al-Bayt (peace be upon them), consider the Umayyads (*Banū Umayya*) to be the clear and definitive referent of the “*accursed tree*”, interpreting the vision as a form of divine forewarning regarding the political and religious deviation that would emerge after the Prophet’s demise. In contrast, the majority of Sunni exegetes—focusing on the apparent meaning of the verse—understand the “*accursed tree*” as referring to the *Tree of Zaqqūm*, although certain Prophetic narrations and statements from some Companions also contain allusions linking this expression to the Umayyads.

Accordingly, this study demonstrates that the divergence in the interpretation of this verse is not merely a disagreement over identifying a referent; rather, it is rooted in deeper differences in theological, narrative, and hermeneutical principles between the two traditions—particularly regarding the status of the Ahl al-Bayt (peace be upon them) within the epistemic and interpretive framework of the Qur’an.

Keywords: Qur’an 17:60, Accursed Tree, Prophetic Vision, Comparative Exegesis, Shi‘i and Sunni Narrative Commentaries.



التفسير المقارن لـ "الشجرة ملعونة" (الإسراء/ ٦٠) في ضوء الروايات وأقوال الفريقين

رضا مهديان فر

الملخص

تُعدّ الآية ٦٠ من سورة الإسراء، التي تشير إلى تعبير "الرؤيا التي أريناك" و "الشجرة الملعونة" في القرآن، من الآيات المثيرة للجدل والخلاف في التفاسير الإسلامية. يهدف هذا البحث، من خلال مقارنة مقارنة وتحليل للتفسير الروائية لدى الفريقين، إلى إعادة قراءة مفاهيمية ومصداقية لـ "الشجرة الملعونة". وبالنظر إلى أنّ هذا التعبير في الآية يرتبط ارتباطاً مباشراً بالرؤيا النبوية المذكورة، فإنّ دراسة عبارة "الرؤيا التي أرينك" ضرورية في إطار هذا البحث. وتُظهر نتائج البحث أنّ الشيعة وأهل السنة يتفقون على أصل وقوع الرؤيا النبوية – المتمثلة في رؤية جماعة على منبر النبي الأكرم (صلى الله عليه وسلم) – وعلى تفسيرها بأنّها "فتنة للناس". ومع ذلك، يبرز خلاف جوهري بين المذهبين التفسيريين في تحديد مصداق "الشجرة الملعونة". فالتفسير الشيعي، بالاستناد إلى روايات مستفيضة عن الأئمة الأطهار (عليهم السلام)، تعتبر بني أمية المصداق الواضح والقطعي لـ "الشجرة الملعونة"، وتفسّر هذه الرؤيا بأنّها نوع من الإنذار الإلهي المبكر بالانحراف السياسي والديني الذي سيحدث بعد رحيل النبي (صلى الله عليه وسلم). في المقابل، يرى غالب مفسري أهل السنة، بالاعتماد على ظاهر الآية، أنّ "الشجرة الملعونة" تشير إلى "شجرة الزقوم"؛ على الرغم من وجود إشارات في بعض الروايات النبوية وأقوال بعض الصحابة إلى انطباق هذا التعبير على بني أمية أيضاً. بناءً على ذلك، يُظهر هذا البحث أنّ الاختلاف في تفسير هذه الآية لا يقتصر على الخلاف في تحديد المصداق، بل يعود إلى اختلاف الأسس الكلامية، والروائية، والهرمنيوطيقية للمذهبين، لا سيّما في مسألة مكانة أهل البيت (عليهم السلام) في نظام فهم وتفسير القرآن.

الكلمات المفتاحية: الآية ٦٠ من سورة الإسراء، الشجرة الملعونة، الرؤيا النبوية، التفسير المقارن، التفاسير الروائية للفريقين.

تفسیر تطبیقی «شجره ملعونه» (اسراء/۶۰) در آینه روایات و اقوال فریقین

رضا مهدیان فر^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۹/۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۹

چکیده

آیه ۶۰ سوره اسراء، با اشاره به دو تعبیر «الرُّؤْيَا الَّتِي أُرِيْنَاكَ» و «الشَّجَرَةُ الْمَلْعُونَةُ فِي الْقُرْآن»، از جمله آیات مناقشه برانگیز و اختلافی در تفاسیر اسلامی به شمار می‌رود. پژوهش حاضر با رویکردی تطبیقی و بر پایه تحلیل تفاسیر روایی فریقین، به بازخوانی مفهومی و مصداقی «شجره ملعونه» پرداخته است. البته از آنجا که این تعبیر در آیه با رؤیای نبوی مذکور پیوندی مستقیم دارد، بررسی عبارت «الرُّؤْيَا الَّتِي أُرِيْنَاكَ» نیز در چارچوب این تحقیق ضروری بوده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که شیعه و اهل سنت در اصل وقوع رؤیای نبوی - مبنی بر مشاهده گروهی بر منبر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله - و نیز در تفسیر آن به عنوان «فتنه‌ای برای مردم» اشتراک نظر دارند؛ با این حال، در تعیین مصداق «شجره ملعونه» اختلافی بنیادین میان دو مکتب تفسیری دیده می‌شود. تفاسیر شیعی، با استناد به روایات مستفیض از ائمه اطهار علیهم السلام، بنی‌امیه را مصداق روشن و قطعی «شجره ملعونه» دانسته و این رؤیا را نوعی پیش‌آگاهی الهی نسبت به انحراف سیاسی و دینی پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله تفسیر کرده‌اند. در مقابل، غالب مفسران اهل سنت، با تکیه بر ظاهر آیه، «شجره ملعونه» را ناظر به «درخت زقوم» دانسته‌اند؛ هرچند در پاره‌ای از روایات نبوی و اقوال برخی صحابه، اشاراتی به انطباق این تعبیر بر بنی‌امیه نیز دیده می‌شود.

براین اساس، پژوهش حاضر نشان می‌دهد که تفاوت در تفسیر این آیه، صرفاً به اختلاف در مصداق‌یابی محدود نمی‌شود، بلکه ریشه در تفاوت مبانی کلامی، روایی و هرمنوتیکی دو مکتب، به‌ویژه در مسئله جایگاه اهل بیت علیهم السلام در نظام فهم و تفسیر قرآن، دارد.

واژگان کلیدی: آیه ۶۰ سوره اسراء، شجره ملعونه، رؤیای نبوی، تفسیر تطبیقی، تفاسیر روایی فریقین.

۱. دانشیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم - قم

۱. مقدمه

آیه ی «وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أُرِيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ وَنُخَوِّفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا» (اسراء: ۶۰)، از آیات بحث‌انگیز قرآن کریم است که طی تاریخ اسلام، محل اختلاف جدی میان مفسران دو مکتب کلامی شیعه و اهل سنت بوده است. این آیه، که به رؤیای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و تعبیر «الشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ» می‌پردازد، کانون توجه تفاسیر روایی و اجتهادی مسلمانان قرار گرفته و برداشت‌های متفاوتی از آن ارائه شده است.

در تفسیر شیعی، بر پایه‌ی مجموعه‌ای از روایات متضاد از اهل بیت علیهم السلام، بنی‌امیه به عنوان مصداق روشن و تاریخی «شجره ملعونه» معرفی شده‌اند و رؤیای نبوی در این آیه، خبری از وقوع فتنه‌ای عظیم و انحراف سیاسی پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله دانسته شده است. در مقابل، غالب مفسران اهل سنت، برداشت ظاهری و لغوی از آیه را مقدم داشته و «شجره ملعونه» را به «درخت زقوم» تفسیر کرده‌اند؛ هرچند برخی نقل‌های نبوی و اقوال صحابه نیز اشاره‌هایی به ارتباط این تعبیر با بنی‌امیه دارند.

در میان آثار مکتوب، تنها پژوهش منتشرشده‌ای که به تفسیر این آیه از دیدگاه فریقین پرداخته، مقاله‌ی «تفسیر آیه‌ی ۶۰ سوره‌ی اسراء از دیدگاه فریقین» تألیف‌م‌انده رضایی است که در نشریه‌ی مطالعات تطبیقی قرآن و حدیث، شماره‌ی ۷، سال ۱۳۹۵ منتشر شده است. با وجود ارزش علمی این اثر، تمرکز آن بیشتر بر تحلیل جمله‌های مختلف آیه بوده و بخش محدودی را به تفسیر مصداقی «شجره ملعونه» اختصاص داده است.

پژوهش حاضر در پی آن است که با رویکردی تطبیقی و روایی و با اتکاء بر روش تاریخی، مصداق «شجره ملعونه» را در آیه‌ی شریفه‌ی فوق مورد واکاوی قرار دهد و از رهگذر مقایسه‌ی دیدگاه‌های تفسیری فریقین، میزان تأثیر مبانی کلامی هر مکتب در برداشت نهایی از آیه را تبیین نماید. ضرورت این بررسی از آنجا ناشی می‌شود که تفسیر این آیه مستقیماً با فهم جایگاه سیاسی-دینی حکومت‌های پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و ارزیابی تاریخی شخصیت‌های محوری آن دوره پیوند خورده است. رویکرد تطبیقی حاضر می‌تواند میزان تأثیرپذیری هر نظام تفسیری از مبانی

اعتقادی و عناصر ایدئولوژیک در تحلیل آیات قرآن را به روشنی نشان دهد.

بر این اساس، پرسش اصلی تحقیق این است که تفسیر مصداقی «الشَّجَرَةُ الْمَلْعُونَةُ» در تفاسیر روایی شیعه و اهل سنت چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارد، و مبانی کلامی هر مذهب چگونه در شکل‌گیری این برداشت‌های تفسیری نقش‌آفرین بوده است؟

۲. معرفی آیه ۶۰ سوره‌ی اسراء

«وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ وَنُخَوِّفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا.»

«و [به یاد آور] هنگامی را که به تو گفتیم: همانا پروردگارت از هر سو بر مردم احاطه دارد، و رؤیایی که به تو نشان دادیم و نیز درخت لعنت‌شده در قرآن را جز برای آزمون مردم قرار ندادیم؛ و آنان را هشدار می‌دهیم، ولی جز بر طغیان بزرگشان نمی‌افزاید.»

این آیه در منظومه‌ی آیاتی قرار دارد که درباره‌ی واکنش مشرکان و قوم ثمود نسبت به دعوت الهی سخن می‌گوید. بنابر تصریح بسیاری از مفسران، سیاق آیات مایه‌ی تسلا‌ی خاطر پیامبر ﷺ است؛ زیرا هدف آیه، آرامش بخشی به آن حضرت در برابر تکذیب و عناد مردم مکه نسبت به رسالت ایشان است. علامه طباطبایی در المیزان می‌نویسد:

«به اعتراف بسیاری از مفسران، سیاق این آیات سیاق تسلیت است؛ می‌خواهد رسول گرامی خود را تسلی دهد، که فتنه‌هایی که در رؤیا به او نمود شد، امر تازه‌ای نیست بلکه سنت الهی همواره چنین بوده است که بندگان را در معرض امتحان قرار دهد» (طباطبایی، ۱۳۵۲، ج ۱۳، ص ۱۴۰).

این آیه، که خطاب مستقیم به پیامبر اکرم ﷺ دارد (برای تحلیل نحوی و مفهومی آیه نک: رضایی، ۱۳۹۵)، از چهار بخش اصلی تشکیل شده است که هر یک معنای روشنی دارند؛ اما پیوند میان آن‌ها موجب اجمال در دلالت آیه شده است. علت عمده‌ی این اجمال، به دو فراز میانی یعنی «الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ» و «الشَّجَرَةُ الْمَلْعُونَةُ» بازمی‌گردد، زیرا خداوند بیان نکرده است که موضوع رؤیا چه بوده و در هیچ آیه‌ی دیگر از قرآن نیز تفسیری صریح برای آن ارائه نشده است



(طباطبایی، ۱۳۵۲، ج ۱۳، ص ۱۳۶-۱۳۷).

بر این اساس، آیه ابتدا به رؤیای پیامبر اشاره دارد که آن را وسیله‌ی آزمایش مردم معرفی می‌کند، و سپس به طور جداگانه از «شجره ملعونه» یاد می‌کند. از آنجا که نه ماهیت رؤیا و نه مصداق درخت لعنت شده مشخص شده، مفسران درباره‌ی آن گفت‌وگوی گسترده‌ای داشته‌اند.

در روایات شأن نزول آمده است که این آیه هنگامی نازل شد که پیامبر ﷺ در خواب دید گروهی همچون میمون‌ها بر منبرایشان صعود کردند. پیامبر ﷺ از این رؤیا اندوهگین شد و قلباً غصه خورد. آنگاه خداوند این بخش از آیه را نازل کرد:

«وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ»،

و گفته‌اند مقصود از آن، بنی‌امیه بودند (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق، ج ۷، ص ۲۳۳۶).

در مقابل، برخی مفسران بر این باورند که «شجره ملعونه» اشاره به همان درخت زقوم است که در آیه‌ی ۶۲ سوره‌ی صافات ذکر شده است (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۵، ص ۷۸). در تفاسیر شیعی، از جمله در تفسیر/التبیان شیخ طوسی، این تعبیر به بنی‌امیه حمل شده است (طوسی، بی‌تا، ج ۶، ص ۴۹۴).

۳. مفهوم‌شناسی آیه

اصطلاح محوری این آیه، یعنی «شجره ملعونه»، از دو واژه‌ی «شجره» و «ملعونه» ترکیب شده است که درک دقیق آن پیش شرط فهم دلالت آیه است. در ادامه، هر یک از این دو واژه از جنبه‌ی لغوی، قرآنی و تفسیری مورد بحث قرار می‌گیرد تا زمینه‌ی تحلیل مصداقی فراهم شود.

۴. مفهوم‌شناسی واژه «شجره»

واژه «شجره» در لغت به معنای هر نوع گیاه چوب‌دار است که دارای ساقه و تنه باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۴۶). برخی لغویان دایره‌ی معنایی آن را گسترده‌تر دانسته و معتقدند شجر به هر گیاهی اطلاق می‌شود که بر ساقه‌ی خود بایستد و به تنهایی بالا رود، خواه ساقه‌ی آن باریک باشد یا کلفت، و خواه در زمستان باقی بماند یا نه (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۳۳).

در مقابل، برخی دیگر معنای آن را محدودتر کرده و تنها به گیاهان تنه‌دار مانند نخل اطلاق نموده‌اند (فیومی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۵۹). در کاربرد قرآنی، «شجره» در معنای عام هر گیاه ساقه‌دار (اعم از نرم یا ضخیم) به کار رفته است؛ چنان که در آیه ۱۴۶ سوره صافات درباره حضرت یونس علیه السلام می‌فرماید: «وَأَنْبِئْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِنْ يَقْطِينٍ» (و براو گیاهی از نوع کدو رویانیدیم).

از منظر ریشه‌شناسی، «شجر» در زبان عربی از ماده «اشتجر الشیء» به معنای درهم‌تنیدگی و تداخل اجزاء گرفته شده است. وجه تسمیه درخت به «شجره» نیز به سبب درهم‌رفتن شاخه‌های آن در یکدیگر است (زبیدی، بی‌تا، ج ۱۲، ص ۱۳۹).

اگرچه در معاجم کهن لغوی، «شجره» به طور مستقیم در معنای «دودمان و نسب» وضع نشده است، اما اشاراتی به این کاربرد مجازی دیده می‌شود؛ برای نمونه در *لسان‌العرب* آمده است: «یقال فلان من شجرة مباركة؛ ای من اصل مبارک» (فلانی از ریشه‌ای با برکت است) (ابن منظور، همان، ج ۷، ص ۳۶). کاربرد استعاری شجره برای اشاره به تبار و خاندان، در احادیث فریقین رواج بسیاری دارد؛ تعبیری همچون «شجرة النبوة» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۲۱)، سخن عبدالله بن عمر درباره «مردی از شجره معاویه» (بوصیری، ۱۴۲۰ق، ج ۸، ص ۳۸) و روایت نبوی خطاب به حضرت علی علیه السلام: «یا علی، الناس من شجرتی و انا و انت من شجرة واحدة» (نیشابوری، بی‌تا، ج ۷، ص ۷۵)، گواه بر این مدعا است. به نظر می‌رسد کاربرد «شجره» در معنای دودمان، ابتدا از باب تشبیه تبار به شاخه‌های درخت بوده و به تدریج بر اثر کثرت استعمال، در این معنا تعین یافته است.

۵. دیدگاه مفسران شیعه

به منظور تحلیل دقیق سیر تطور تفسیر آیه، روایات تفسیری پیرامون «رؤیای رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم» و «شجره ملعونه» بر اساس توالی تاریخی بررسی می‌شود. این رویکرد به ما کمک می‌کند تا میزان اهتمام مفسران به این روایات را در طول قرون متمادی بسنجیم؛ چرا که استمرار توجه به یک مضمون در تفاسیر مختلف، خود نشانه‌ای براعتبار و جایگاه آن در منظومه فکری مکتب تشیع است.



۱.۵. قرن سوم و چهارم هجری

در این دوره، تفاسیر روایی نخستین شیعه شکل مدون به خود گرفتند. آثار این دوره مبنای بسیاری از تحلیل‌های بعدی قرار گرفته‌اند:

• **علی بن ابراهیم قمی (متوفای قرن ۳ ق):** وی در تفسیر خود ذیل این آیه گزارش می‌دهد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در رؤیا مشاهده کردند میمون‌هایی از منبر ایشان بالا می‌روند. این صحنه موجب تأثر و اندوه عمیق پیامبر صلی الله علیه و آله شد. متعاقب آن، آیه ۶۰ سوره اسراء نازل گردید و تصریح شد که مقصود از «شجره ملعونه»، بنی‌امیه هستند (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۲۱).

• **محمد بن مسعود عیاشی (متوفای ۳۲۰ ق):** عیاشی در تفسیر خود مجموعه‌ای از روایات را در این باب گرد آورده است که ابعاد مختلفی از تفسیر شیعی را روشن می‌کند:

۱. **روایت امام باقر علیه السلام:** ایشان به صراحت مصداق «شجره ملعونه» را بنی‌امیه معرفی کرده‌اند (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۲، ص ۲۹۷).

۲. **مناظره امام علی علیه السلام و عمر بن خطاب:** در روایتی از معروف بن خربوذ نقل شده است که امام علی علیه السلام خطاب به خلیفه دوم فرمود: «آیا تو را از آنچه درباره بنی‌امیه نازل شده باخبر نکنم؟» و سپس آیه «شجره ملعونه» را بر آنان تطبیق کرد. طبق این نقل، خلیفه در پاسخ به این انطباق، واکنش تندی نشان داد (همان).

۳. **روایت حُلَیّی از زراره و دیگران:** در این روایت، امام صادق علیه السلام در تفسیر «رؤیای نبوی»، آن را ناظر به کسانی دانستند که مردم را بر فراز منابر به گمراهی (قهقرا) برمی‌گردانند و به طور کنایی از شخصیت‌هایی با نام‌های مستعار «زریق و زُفر» یاد کردند. ایشان نیز «شجره ملعونه» را بنی‌امیه دانستند (همان، ص ۲۹۷-۲۹۸).

۴. **روایت قاسم بن سلیمان:** بر اساس این نقل، پیامبر صلی الله علیه و آله در خواب دیدند که کودکان بنی‌امیه بر منبر ایشان صعود می‌کنند. وقتی حضرت از زمان وقوع این اتفاق پرسیدند، وحی آمد که این امر پس از رحلت ایشان رخ خواهد داد (همان، ص ۲۹۸).

۵. **روایت ابی‌الطفیل از منبر کوفه:** وی گزارش می‌دهد که ابن‌الکواء در مسجد کوفه درباره آیه «شجره ملعونه» از امیرالمؤمنین علیه السلام پرسید و حضرت در پاسخ فرمودند: مقصود فاجران از

قریش و بنی‌امیه هستند (همان).

۶. **روایت عبدالرحیم قصیر:** در این روایت، امام باقر علیه السلام رؤیای پیامبر صلی الله علیه و آله را ناظر به صعود افرادی از بنی‌تیم و بنی‌عدی بر منبر و بازگرداندن مردم به دوران جاهلیت دانسته‌اند و در ادامه، بنی‌امیه را مصداق شجره ملعونه برشمردند (همان).

۷. **روایت یونس بن عبدالرحمن:** وی از امام علیه السلام نقل می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله ۱۲ نفر از بنی‌امیه را در رؤیا دیدند که بر منبر بالا می‌روند و حضرت از مشاهده این وضعیت احساس ذلت و درماندگی می‌کردند. جبرئیل با ابلاغ این آیه، خاطرنشان کرد که قدرت‌گیری بنی‌امیه با تضعیف جایگاه اهل بیت علیهم السلام همراه خواهد بود (همان).

۲.۵. دیدگاه مفسران شیعه در قرن پنجم و ششم هجری

در قرون پنجم و ششم هجری، تفاسیر شیعی ضمن حفظ میراث روایی پیشین، کوشیدند آراء مختلف تفسیری را به صورت تطبیقی گزارش و ارزیابی کنند. در این دوره، هم‌زمان با نقل دیدگاه مشهور شیعه درباره مصداق «شجره ملعونه»، دیدگاه‌های رایج در میان مفسران اهل سنت نیز به طور گسترده منعکس شده است.

۵.۲.۱. شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق)

شیخ طوسی در *التبیان* ذیل آیه ۶۰ سوره اسراء، از امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) نقل می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله در خواب دیدند میمون‌هایی از منبرایشان بالا می‌روند و پایین می‌آیند. این رؤیا موجب اندوه پیامبر صلی الله علیه و آله شد. در پی آن، خداوند جبرئیل را نازل کرد و به پیامبر صلی الله علیه و آله خبر داد که بنی‌امیه بر جایگاه او می‌نشینند و بر منبرش صعود می‌کنند (طوسی، بی‌تا، ج ۶، ص ۴۹۴).

در عین حال، شیخ طوسی با رویکردی تطبیقی، آرای جمعی از مفسران صحابه و تابعین -از جمله ابن عباس، ضحاک، سعید بن جبیر، مجاهد و قتاده- را نیز نقل می‌کند که «شجره ملعونه» را به **شجره زقوم** تفسیر کرده‌اند؛ همان درختی که در آیه «إِنَّ شَجَرَةَ الزُّقُومِ طَعَامُ الْأَثَمِ» (دخان/۴۳-۴۴) آمده است. براساس این دیدگاه، «فتنه» در آیه، ناظر به واکنش



تمسخرآمیز ابوجهل و یارانش است که می‌گفتند آتش، درخت را می‌سوزاند، پس چگونه ممکن است درختی در آتش بروید. با این حال، شیخ طوسی در کنار این گزارش، روایت امام باقر علیه السلام را نیز نقل می‌کند که به صراحت بنی‌امیه را مصداق «شجره ملعونه» معرفی کرده‌اند (همان).

۵.۲.۲. طبرسی (م ۵۴۸ق)

فضل بن حسن طبرسی در مجمع‌البیان، روایتی مشابه از امام باقر و امام صادق علیهما السلام نقل می‌کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در رؤیا دیدند میمون‌هایی از منبر ایشان بالا می‌روند و پایین می‌آیند و همین رؤیا سبب اندوه و نگرانی حضرت شد (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۶، ص ۶۵۴).

طبرسی سپس اقوال مختلف تفسیری را گزارش می‌کند: گروهی، از جمله ابن عباس و حسن بصری، «شجره ملعونه» را درخت زقوم دانسته‌اند؛ در حالی که ابومسلم اصفهانی آن را ناظر به یهود تفسیر کرده است (همان). این شیوه گزارش، نشان‌دهنده اهتمام طبرسی به انعکاس طیف گسترده‌ای از دیدگاه‌ها، در کنار حفظ روایت امامیه است.

۵.۲.۳. ابوالفتوح رازی (م ۵۵۶ق)

ابوالفتوح رازی نیز در *روض الجنان*، همانند شیخ طوسی و طبرسی، ابتدا دیدگاه غالب در میان مفسران صحابه و تابعین را نقل می‌کند که مراد از «شجره ملعونه» را شجره زقوم دانسته‌اند. با این حال، وی در ادامه، روایت امام باقر علیه السلام را ذکر می‌کند که به روشنی بنی‌امیه را مصداق درخت ملعون معرفی کرده‌اند (رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲، ص ۲۴۵). این نحوه ارائه، بیانگر آن است که حتی در تفاسیر فارسی زبان شیعه نیز، تفسیر روایی امامیه جایگاه محوری خود را حفظ کرده است.

۵.۳. دیدگاه مفسران شیعه در قرن هفتم هجری

در قرن هفتم هجری، روایات تفسیری پیشین با تفصیل بیشتری نقل و تثبیت می‌شوند. در این میان، شیبانی (م. قرن ۷ق) روایتی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که بر جنبه نمادین رؤیای

پیامبر ﷺ تأکید دارد. براساس این روایت، پیامبر اکرم ﷺ شبی در مدینه خواب دیدند که چهارده میمون، یکی پس از دیگری، از منبرایشان بالا می‌روند. حضرت صبحگاهان خواب خود را برای اصحاب بازگو کردند و در پاسخ به پرسش آنان فرمودند: پس از من، گروهی از قریش بر منبر من صعود می‌کنند که شایستگی این جایگاه را ندارند. امام صادق علیه السلام در تفسیر این رؤیا تصریح می‌کنند که مقصود از این گروه، بنی‌امیه هستند (شیبانی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۲۴۰-۲۴۱).

بررسی تفاسیر شیعه در قرون پنجم تا هفتم نشان می‌دهد که:

۱. تفسیر «شجره ملعونه» به بنی‌امیه، به‌عنوان یک روایت مستمر امامی، در تمامی این قرون حضور پررنگ دارد.
۲. مفسران شیعه، برخلاف رویکرد تک‌صدایی، دیدگاه‌های رقیب (به‌ویژه تفسیر شجره زقوم) را به‌دقت نقل کرده‌اند.
۳. تفاوت اساسی میان این دو تفسیر، نه در سطح لغوی آیه، بلکه در مبنای کلامی و رویکرد به تاریخ پس از پیامبر ﷺ ریشه دارد.

۶.۳. قرن هفتم هجری

در آثار تفسیری قرن هفتم، نقل روایات ناظر به رؤیای پیامبر اکرم ﷺ با تأکید بر جنبه‌های نمادین و پیش‌گویانه آن تداوم یافت. شیبانی (م. قرن ۷ق) در گزارش خود از این رویداد، روایتی از امام صادق علیه السلام را بازتاب می‌دهد که در آن، ابعاد سیاسی رؤیای نبوی برجسته‌تر شده است. براساس این روایت، رسول خدا ﷺ در مدینه رؤیا دیدند که چهارده میمون، یکی پس از دیگری، از منبرایشان بالا می‌روند. پیامبر ﷺ صبحگاهان این واقعه را برای اصحاب بازگو کردند و در پاسخ به پرسش آنان پیرامون تأویل آن، تصریح کردند: «پس از من گروهی از قریش بر منبر من صعود می‌کنند که از شایستگی لازم برای این جایگاه برخوردار نیستند.» امام صادق علیه السلام در تفسیر این رؤیا، به‌طور صریح بنی‌امیه را مصداق این گروه معرفی می‌کنند (شیبانی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۲۴۰-۲۴۱).



۷.۳. قرن دهم و یازدهم هجری

در این دوره، که با شکوفایی مجدد مکاتب حدیثی و تدوین جوامع روایی متأخر همراه است، مفسران شیعه با تجمیع روایات پیشین، ابعاد تازه‌ای از پیوند میان «رؤیای نبوی» و تحولات سیاسی صدر اسلام را ذیل این آیه واکاوی کرده‌اند.

• شرف‌الدین استرآبادی (م ۹۴۰ق):

وی در اثر تفسیری خود، با تکیه بر میراث حدیثی سلف، روایات موجود در تفسیر قمی و مجمع‌البیان را بازخوانی کرده است. استرآبادی بر اساس این متون، بر این نکته پای می‌فشارد که مراد از «شجره ملعونه» در لسان وحی، به طور قطع بنی‌امیه هستند (استرآبادی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۷۵).

• فیض کاشانی (م ۱۰۹۱ق):

ملا محسن فیض کاشانی در تفسیر/الصافی، ضمن نقل روایات تفسیر عیاشی، به گزارش‌های کلیدی کتاب کافی استناد می‌کند که لایه‌های عمیق‌تری از رؤیای پیامبر ﷺ را آشکار می‌سازد. بر اساس این گزارش‌ها، پیامبر اکرم ﷺ را در حالی که اندوهگین بودند مشاهده کردند؛ ایشان در پاسخ به پرسش حضرت علی علیه السلام درباره علت این غم، فرمودند:

«چگونه غمگین نباشم در حالی که امشب در رؤیا دیدم بنی‌تیم، بنی‌عدی و بنی‌امیه بر منبر من بالا می‌روند و مردم را از راه اسلام بازمی‌گردانند.»

در این روایت، تصریح شده است که این واقعه نه در زمان حیات حضرت، بلکه پس از رحلت ایشان به وقوع خواهد پیوست (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۳۴۵؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۲۰۰).

فیض کاشانی در تحلیلی تطبیقی اشاره می‌کند که مضمون این رؤیا در میان عامه (اهل سنت) و خاصه (شیعه) به صورت «مستفیض» نقل شده است؛ با این تفاوت که در برخی روایات اهل سنت، صعود بنی‌امیه بر منبر (به سان میمون‌ها) به عنوان بهره‌دنیوی آنان در پاداش اسلام آوردنشان تعبیر شده است (فیض کاشانی، همان، ص ۲۰۰).

وی همچنین به دو سنت روایی دیگر در این باب اشاره دارد:

۱. **روایت احتجاج (از امیرالمؤمنین ع):** در این نقل، شمار کسانی که در رؤیای نبوی مشاهده شدند ۱۲ نفر ذکر شده است؛ شامل ۱۰ نفر از بنی‌امیه و ۲ نفر دیگر که زمینه‌ساز قدرت‌گیری آنان بودند و وبال اقداماتشان تا قیامت بر عهده آنان است (همان، ص ۲۰۰-۲۰۱).
۲. **روایت مقدمه صحیفه سجادیه:** در این روایت نیز بر بازگرداندن مردم به دوران جاهلیت توسط افرادی که به شکل میمون بر منبر پیامبر ﷺ ظاهر شدند، تأکید شده و جبرئیل صراحتماً «بنی‌امیه» را مصداق آیه ۶۰ سوره اسراء معرفی کرده است (همان، ص ۲۰۱).
در نهایت، فیض کاشانی با نقل روایتی از احتجاج، به کاربرد عینی و مصداقی این آیه در سیره اهل بیت علیهم السلام اشاره می‌کند؛ آنجا که امام حسن مجتبی علیهما السلام در مشاجره با مروان بن حکم، خطاب به او فرمودند: «ای مروان، تو و ذریه‌ات همان شجره ملعونه هستید» (همان).
در آثار قرن دهم و یازدهم، به‌ویژه در تفسیر فیض کاشانی، مشاهده می‌کنیم که:
۱. **گسترش مصداق:** دایره تفسیر از «بنی‌امیه» فراتر رفته و در برخی روایات، گروه‌های دیگری که در تحولات سیاسی پس از پیامبر ﷺ نقش داشتند نیز در کنار بنی‌امیه ذکر شده‌اند.
۲. **تواتر معنوی:** مفسر بر این باور است که اصل وقوع این رؤیا و انطباق آن بر بنی‌امیه، مورد اتفاق فریقین (شیعه و سنی) است و تنها در جزئیات و تأویلات آن اختلاف وجود دارد.
۳. **کارکرد احتجاجی:** آیه از یک بحث صرفاً تفسیری به یک ابزار «احتجاجی» در تقابل‌های تاریخی میان اهل بیت علیهم السلام و بنی‌امیه تبدیل شده است.

۸.۳. قرون دوازدهم و سیزدهم هجری: دوران تدوین و تجمیع

در این دوره، رویکرد مفسران شیعه عمدتاً معطوف به «روایی‌گری» و بازنشر میراث پیشینیان (تراث) بوده است.

- **بحرانی (م ۱۱۰۷ق) و حویزی (م ۱۱۱۲ق):** این دو مفسر بزرگ، با رویکردی مشابه، به تجمیع و بازنشر روایات تفاسیر متقدم (مانند تفسیر قمی، عیاشی، مجمع‌البیان و نهج‌البیان) پرداختند و شواهد روایی موجود در منابع اهل سنت (همچون الدر المنثور و تفسیر ثعلبی) را نیز در تأیید مصداق «بنی‌امیه» گرد آوردند (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۵۴۲-۵۴۴؛ حویزی،

۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۱۸۱).

- محمد بن مرتضی کاشانی (م ۱۱۱۵ق): وی در تحلیل خود، «رؤیای نبوی» را ناظر به صعود بنی تیم، بنی عدی و بنی امیه دانسته و با عطف «شجره ملعونه» به همین رؤیا، بنی امیه را مصداق قطعی آن معرفی می کند (کاشانی، بی تا، ج ۲، ص ۷۱۸-۷۱۹).
- قمی مشهدی (م ۱۱۲۵ق): در کنزالدقائق، وی با جامع نگری، تمامی روایات منقول در تفاسیر سلف را برای اثبات انطباق آیه بر بنی امیه گردآوری کرده است (قمی مشهدی، ۱۳۶۷ش، ج ۷، ص ۴۳۵-۴۳۹).

۹.۳. قرن چهاردهم هجری: تحلیل و نقد آراء

- مفسران این دوره، علاوه بر نقل روایات، به نقد و بررسی اقوال نیز همت گماشتند:
- حائری تهرانی (م ۱۳۴۰ق): وی ضمن تأیید تفسیر «صعود میمون ها بر منبر»، بر ابعاد سیاسی و پیامدهای جانکاه آن برای اهل بیت علیهم السلام تأکید کرده و با استناد به سخن عایشه در مواجهه با مروان بن حکم، این تفسیر را با شواهد تاریخی تقویت می کند (حائری تهرانی، ۱۳۳۸ش، ج ۶، ص ۲۴۸-۲۴۹).
 - نهایندی (م ۱۳۷۱ق): با استناد به کتب کلیدی کافی و احتجاج، بنی امیه و ذریه حکم بن عاص را به طور مشخص مصداق این «شجره ملعونه» می داند (نهایندی، ۱۳۸۶ش، ج ۴، ص ۶۳-۶۵).
 - مغنیه (م ۱۴۰۰ق) و صادقی (م ۱۴۳۲ق): این دو مفسر معاصر، بر «تظافر روایات» تأکید دارند. مغنیه با استناد به تفاسیر اهل سنت، جایگاه بنی امیه را به عنوان مصداق مورد اتفاق گزارش می کند و صادقی معتقد است حتی بر مبنای تفاسیر اهل سنت (تفسیر به شجره زقوم)، کلیت آیه شامل منافقانی است که بنی امیه در رأس آن ها قرار دارند.
 - سید محمد حسین فضل الله (م ۱۳۸۹ش): وی با نقد عالمانه چهار قول مشهور درباره رؤیا، استدلال می کند که تفسیر «صعود میمون ها» با جو آیه و هدف هدایتی آن سازگارتر است. وی همگرایی روایات اهل بیت علیهم السلام و برخی گزارش های اهل سنت را دلیلی بر صحت این تأویل

می‌داند (فضل الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱۴، ص ۱۶۳-۱۶۵).

۶. جمع بندی روایات تفسیری شیعه

از آنجا که در آیه ۶۰ سوره اسراء به دو عنصر اساسی، یعنی «رؤیای رسول خدا ﷺ» و «الشَّجَرَةُ الْمَلْعُونَةُ فِي الْقُرْآن» اشاره شده است و این دو در منابع تفسیری شیعه ارتباطی تنگاتنگ دارند، جمع بندی روایات تفسیری شیعه را می‌توان در دو محور اصلی بررسی کرد:

۶.۱. رؤیای پیامبر اکرم ﷺ و ابعاد آن در روایات شیعه

روایات شیعه رؤیای پیامبر اکرم ﷺ را نه صرفاً یک خواب عادی، بلکه نوعی مکاشفه الهی و هشدار نسبت به آینده امت اسلامی می‌دانند. این روایات تصویری روشن از نگرانی عمیق پیامبر ﷺ پس از مشاهده این رؤیا ارائه می‌کنند.

۱. صعود میمون‌ها بر منبر

در بسیاری از روایات شیعه، از جمله روایت علی بن ابراهیم قمی از امام باقر علیه السلام، گزارش عیاشی از امام باقر و امام صادق علیه السلام، و نیز نقل‌هایی در آثار شیخ طوسی و طبرسی، آمده است که پیامبر اکرم ﷺ در خواب مشاهده کردند میمون‌هایی از منبر ایشان بالا و پایین می‌روند. در تفسیر شیعی، این میمون‌ها نماد افرادی دانسته شده‌اند که بدون شایستگی بر جایگاه خلافت و رهبری امت تکیه می‌زنند و موجب انحراف مسیر دین می‌شوند.

۲. اندوه و نگرانی پیامبر ﷺ

پس از مشاهده این رؤیا، پیامبر اکرم ﷺ دچار اندوه و نگرانی شدید شدند. فیض کاشانی با استناد به تفسیر عیاشی و کتاب کافی نقل می‌کند که پیامبر ﷺ در رؤیا مشاهده کردند بنی‌تیم، بنی‌عدی و بنی‌امیه بر منبر ایشان بالا می‌روند و مردم را از مسیر اسلام بازمی‌گردانند. در این روایت آمده است که پیامبر ﷺ از شدت اندوه پرسیدند آیا این واقعه در زمان حیات ایشان رخ خواهد داد یا پس از رحلتشان، و پاسخ شنیدند که این رخداد پس از ایشان تحقق خواهد یافت. این نکته نشان‌دهنده اهمیت و عمق پیام این رؤیا برای آینده امت اسلامی است.



۳. اشاره به مصادیق در برخی روایات

برخی روایات نیز به مصادیق مشخص تری اشاره دارند. از جمله یونس بن عبدالرحمن اشّل از یکی از ائمه علیه السلام نقل می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در رؤیا دوازده نفر از بنی امیه را بر منبرها دیدند و از این وضعیت احساس ذلت و اندوه کردند. همچنین عبدالرحیم قصیر از امام باقر علیه السلام روایت می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مردانی از بنی تیم و بنی عدی را بر فراز منابر مشاهده کردند که مردم را به قهقرا، یعنی بازگشت به جاهلیت، سوق می دهند. این دسته از روایات نشان می دهد که رؤیای مذکور در منابع شیعه گاه به صورت نمادین و گاه به شکل اشاره مستقیم به گروه های خاص تفسیر شده است.

۳.۶. شجره ملعونه و تطبیق آن بر بنی امیه

در تفاسیر شیعه، میان رؤیای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و مفهوم «شجره ملعونه» پیوندی وثیق برقرار است؛ به گونه ای که این دو در کنار یکدیگر تبیین می شوند. مجموعه روایات اهل بیت علیهم السلام و گزارش های تفسیری شیعه بر این نکته تأکید دارند که مصداق اصلی «شجره ملعونه» بنی امیه است.

۱. تصریح ائمه اهل بیت علیهم السلام

روایات متعددی از امام علی علیه السلام، امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام به صراحت بنی امیه را مصداق این تعبیر قرآنی معرفی کرده اند. برای نمونه، در روایتی از علی بن سعید از امام صادق علیه السلام نقل شده است که امام علی علیه السلام به عمر فرمودند آیه «الشجرة الملعونة» درباره بنی امیه نازل شده است. همچنین ابوالطفیل از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می کند که آن حضرت در مسجد کوفه در پاسخ به پرسش ابن الکواء، بنی امیه و فاجران قریش را مصداق این آیه دانستند. افزون بر این، در گزارشی از احتجاجات تاریخی، امام حسن علیه السلام در مشاجره با مروان بن حکم، او و دودمانش را «شجره ملعونه» خطاب کردند.

۲. تأکید مفسران شیعه

مفسران شیعه از قرون نخستین تا دوران معاصر، با استناد به این روایات، بر انطباق «شجره ملعونه» بر بنی امیه تأکید کرده‌اند. این تفسیر در آثار تفسیری شیعه استمرار یافته و به یکی از برداشت‌های مشهور در سنت تفسیری امامیه تبدیل شده است.

۳. پیوند با مفهوم «فتنه» در آیه

در بسیاری از روایات، «رؤیای پیامبر» و «شجره ملعونه» همان فتنه‌ای دانسته شده‌اند که در آیه به آن اشاره شده است. این فتنه به معنای آزمایشی بزرگ برای امت اسلامی تفسیر شده که پس از رحلت پیامبر ﷺ رخ خواهد داد. در روایت امام باقر علیه السلام در تفسیر عیاشی، بنی امیه عامل «طُغْيَانًا كَبِيرًا» معرفی شده‌اند که در ادامه آیه به آن اشاره شده است.

بررسی مجموعه روایات تفسیری شیعه ذیل آیه ۶۰ سوره اسراء نشان می‌دهد که در مکتب اهل بیت علیهم السلام میان «رؤیای پیامبر» و «شجره ملعونه» پیوندی تفسیری و تاریخی برقرار شده است. این روایات رؤیای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را نوعی مکاشفه الهی و هشدار نسبت به آینده امت اسلامی می‌دانند که در آن، صعود افراد نالایق بر جایگاه رهبری و بازگشت جامعه به مظاهر جاهلیت پیش‌بینی شده است. در این چارچوب، بنی امیه در بسیاری از روایات به عنوان مصداق اصلی «شجره ملعونه» معرفی شده‌اند.

علامه طباطبایی نیز با تحلیل مفهومی تعبیر «شجره» در قرآن، آن را ناظر به گروهی می‌داند که همانند یک درخت دارای ریشه و شاخه‌هایی گسترده‌اند و امت اسلامی به وسیله آنان مورد آزمایش قرار می‌گیرد. وی یادآور می‌شود که در قرآن گروه‌های مختلفی مانند ابلیس، یهود، مشرکان و منافقان مورد لعن قرار گرفته‌اند و «شجره ملعونه» نیز می‌تواند یکی از همین جریان‌های تاریخی باشد که از ریشه‌ای واحد منشعب شده و در طول زمان گسترش یافته‌اند (طباطبایی، ج ۱۳، ص ۱۳۸).

به اعتقاد وی، با توجه به شرایط تاریخی صدر اسلام، مصداق این تعبیر را نمی‌توان در مشرکان یا اهل کتاب جست‌وجو کرد؛ زیرا با استقرار جامعه اسلامی، خطر آنان تا حد زیادی مهار



شده بود. از این رو، محتمل‌ترین مصداق، جریان منافقانی است که در ظاهر مسلمان بودند و در درون جامعه اسلامی حضور داشتند و در دوره‌های بعدی به منشأ فتنه و بحران برای امت تبدیل شدند (همان، ص ۱۳۹-۱۴۰).

۷. روایات تفسیری اهل سنت

چنان‌که در بررسی روایات تفسیری شیعه اشاره شد، نقل و تفسیر آیه ۶۰ سوره اسراء در سنت تفسیری اهل سنت نیز در طول قرون مختلف ادامه یافته است. مفسران اهل سنت در تبیین این آیه، به‌ویژه در دو محور «رؤیای پیامبر ﷺ» و «شجره ملعونه»، دیدگاه‌های متفاوتی ارائه کرده‌اند. در میان آنان، گرچه قول مشهور تفسیر «شجره ملعونه» به درخت زقوم است، اما در برخی منابع روایاتی نیز نقل شده که رؤیای پیامبر ﷺ را ناظر به صعود بنی‌امیه بر منبر پیامبر می‌دانند.

۷.۱. قرن چهارم و پنجم هجری

طبری (م. ۳۱۰ ق.) در جامع‌البیان با نقل اقوال متعددی از ابن عباس، حسن بصری، مسروق، ابومالک، عکرمه، سعید بن جبیر، مجاهد، قتاده و ضحاک، «شجره ملعونه» را به درخت زقوم تفسیر می‌کند (طبری، ۱۴۱۲ ق، ج ۱۴، ص ۶۴۷-۶۵۱). وی اقوال دیگری نیز ذکر می‌کند که به دلیل نادر بودن، چندان مورد توجه قرار نگرفته‌اند. طبری درباره «رؤیای پیامبر ﷺ» دو دیدگاه نقل می‌کند: نخست اینکه این رؤیت در بیداری و با چشم بوده است و دوم اینکه رؤیایی در خواب بوده است. وی در توضیح دیدگاه دوم، روایتی از سهل بن سعد نقل می‌کند که پیامبر ﷺ در خواب دیدند گروهی از بنی‌فلان همچون میمون از منبر ایشان بالا می‌روند؛ پس از آن پیامبران دو هگین شدند و تا پایان عمر کمتر خندان دیده شدند. سپس آیه ۶۰ سوره اسراء در این باره نازل شد (طبری، همان، ج ۱۵، ص ۷۷-۷۸). با این حال، طبری در نهایت دیدگاه نخست را ترجیح می‌دهد.

ماتریدی (م. ۳۳۳ ق.) نیز از سعید بن مسیب نقل می‌کند که رؤیای پیامبر ﷺ رؤیایی در خواب بوده است. در این روایت آمده است که پیامبر ﷺ گروهی را بر فراز منابر مشاهده کردند و

از این امر اندوهگین شدند، اما به ایشان گفته شد که این تنها دنیایی است که به آنان داده خواهد شد و برای آنان مایه آزمایش و فتنه خواهد بود (ماتریدی، ۱۴۲۶ق، ج ۷، ص ۷۳).

ثعلبی (م. ۴۲۷ق.) نیز با سندی از سعید بن مسیب نقل می‌کند که در خواب به پیامبر ﷺ نشان داده شد که بنی‌امیه بر منابر قرار گرفته‌اند. پیامبر ﷺ از این صحنه اندوهگین شدند و به ایشان گفته شد که این تنها بهره‌ای دنیوی است که به آنان داده می‌شود. وی همچنین از ابن عباس روایت می‌کند که پیامبر ﷺ در خواب دیدند بنی‌امیه همچون میمون بر منبر ایشان بالا می‌روند؛ از آن پس اندوهگین شدند و تا پایان عمر کمتر خندان دیده شدند. سپس آیه ۶۰ سوره اسراء نازل شد، در حالی که «شجره ملعونه» در این نقل همان درخت زقوم معرفی شده است (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۶، ص ۱۱۱).

۷.۲. قرن ششم و هفتم هجری

در تفاسیر قرن ششم و هفتم هجری، گزارش این روایات همچنان ادامه یافته و گاه با تحلیل و نقد همراه شده است.

ابن عطیه (م. ۵۴۲ق.) از سهل بن سعد نقل می‌کند که پیامبر ﷺ در خواب دیدند بنی‌امیه همچون میمون از منبر ایشان بالا می‌روند؛ از این رو اندوهگین شدند و تا زمان رحلت خندان دیده نشدند. سپس آیه ۶۰ سوره اسراء نازل شد تا بیان کند که این فرمانروایی و سلطنتی است که به آنان داده می‌شود و خداوند آن را مایه آزمایش مردم قرار داده است (ابن عطیه، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۴۶۸). وی در ادامه با استناد به تعبیر «أَحَاطَ بِالنَّاسِ» در آیه، یادآور می‌شود که خداوند بر مقدرات مردم احاطه دارد و آنچه مقدر کرده نافذ است؛ بنابراین پیامبر ﷺ نباید از آنچه پس از ایشان رخ خواهد داد اندوهگین شوند. او همچنین به سخن امام حسن علیّه السلام در خطبه مربوط به بیعت با معاویه اشاره می‌کند که آیه «وَإِنْ أَذْرِي لَعَلَّهُ فِتْنَةٌ لَكُمْ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ» (انبیاء/۱۱۱) را تلاوت کردند. با این حال، ابن عطیه در پایان تصریح می‌کند که این تأویل محل تأمل است و برخی شخصیت‌ها مانند عثمان بن عفان، معاویه و عمر بن عبدالعزیز را نمی‌توان در این رؤیا داخل دانست. وی همچنین تفسیر مشهور «شجره



ملعونه» به درخت زقوم را دیدگاه جمهور مفسران معرفی می‌کند و نقل مربوط به بنی‌امیه را قولی ضعیف و جدید می‌شمارد (همان).

نیشابوری (م. ۵۵۳ق.) در *غرائب القرآن* می‌نویسد که برخی گفته‌اند مراد از «شجره ملعونه» بنی‌امیه هستند؛ زیرا آنان احکام الهی را تغییر دادند، به اهل بیت ظلم کردند و در خون‌ریزی افراط نمودند. از نظر این گروه، مقصود از رؤیا نیز صعود آنان بر منبر پیامبر ﷺ است (نیشابوری، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۵۰۲-۵۰۳؛ نیز ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۳).

ابن جوزی (م. ۵۹۷ق.) نیز یکی از اقوال درباره رؤیای پیامبر ﷺ را چنین نقل می‌کند که پیامبر ﷺ در خواب دیدند بنی‌امیه از منابر بالا می‌روند و از این امر اندوهگین شدند؛ سپس به ایشان گفته شد که این تنها بهره‌ای دنیوی است که به آنان داده خواهد شد. وی با وجود نقل این دیدگاه، آن را چندان استوار نمی‌داند، هرچند تصریح می‌کند که بسیاری از مفسران آن را نقل کرده‌اند (ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۳۵). او درباره «شجره ملعونه» سه دیدگاه ذکر می‌کند: نخست، درخت زقوم که به نقل از ابن عباس و مورد قبول جمهور مفسران است؛ دوم، گیاهی پیچنده که ریشه‌ای در زمین ندارد؛ و سوم، اینکه «شجره» کنایه از گروهی از انسان‌ها باشد، چنان‌که از سعید بن مسیب نقل شده است (همان).

فخر رازی (م. ۶۰۶ق.) نیز در *مفاتیح الغیب* دیدگاهی را از سعید بن مسیب نقل می‌کند که بر اساس آن پیامبر ﷺ در خواب دیدند بنی‌امیه همچون میمون بر منبر ایشان بالا می‌روند و از این امر اندوهگین شدند. وی این قول را به ابن عباس نیز نسبت می‌دهد (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۳۶۰-۳۶۱). فخر رازی در ادامه اشکالی مطرح می‌کند مبنی بر اینکه این آیه مکی است و در مکه منبری برای پیامبر وجود نداشت؛ اما در پاسخ می‌گوید بعید نیست پیامبر ﷺ در مکه رؤیا دیده باشند که در آینده در مدینه منبری خواهند داشت که بنی‌امیه آن را تصرف می‌کنند. وی همچنین از ابن عباس نقل می‌کند که پیامبر ﷺ در خواب دیدند فرزندان مروان منبر ایشان را میان خود دست به دست می‌کنند. در ادامه، فخر رازی سخن عایشه خطاب به مروان را نیز شاهی بر این تفسیر می‌داند؛ آنجا که گفته است: «خداوند پدرت را در حالی لعنت کرد که تو در صلب او بودی، و تو نیز در شمار کسانی هستی که خداوند آنان را لعنت کرده است»

(همان، ص ۳۶۱). او در کنار این دیدگاه، تفسیر مشهور «شجره ملعونه» به درخت زقوم و قولی دیگر مبنی بر تفسیر آن به یهود را نیز ذکر می‌کند.

قرطبی (م. ۶۷۱ ق.) نیز گزارش‌هایی مشابه نقل می‌کند. وی از ابن عباس روایت می‌کند که پیامبر ﷺ در رؤیا بنی مروان را دیدند که همچون میمون بر منبر ایشان می‌پرند و از این امر اندوهگین شدند، اما به ایشان گفته شد که این تنها بهره‌ای دنیوی است که به آنان داده شده است. قرطبی همچنین نقل سهل بن سعد را ذکر می‌کند که پیامبر ﷺ در خواب دیدند بنی‌امیه همچون میمون از منبر ایشان بالا می‌روند و تا زمان وفات کمتر خندان دیده شدند. سپس آیه ۶۰ سوره اسراء نازل شد تا بیان کند که این فرمانروایی آنان مایه آزمایش مردم است (قرطبی، ۱۳۶۴ ش، ج ۱۰، ص ۲۸۲-۲۸۳). وی نیز به اشکال مکی بودن آیه اشاره می‌کند و همان پاسخ فخر رازی را مطرح می‌سازد.

۷.۳. قرن هشتم هجری

در قرن هشتم هجری، رویکرد مفسران اهل سنت نسبت به آیه ۶۰ سوره اسراء غالباً در امتداد سنت پیشین باقی می‌ماند؛ با این تفاوت که در برخی آثار، برای نخستین بار مقایسه‌ای صریح میان دیدگاه اهل سنت و شیعه و نیز ارزیابی اصولی (حقیقت و مجاز) دیده می‌شود. طوفی (م. ۷۱۶ ق.) تصریح می‌کند که نزد جمهور مفسران اهل سنت، مراد از «شجره ملعونه» درخت زقوم است، در حالی که شیعه آن را به بنی‌امیه تفسیر کرده‌اند. وی استدلال شیعه را چنین گزارش می‌کند که بنی‌امیه به سبب قطع رحم با فرزندان عبدالمطلب و نیز بر اساس نصوص و اجماع، مشمول لعن‌اند؛ افزون بر آن، در سنت آمده است که پیامبر اکرم ﷺ در حالی از دنیا رفتند که از ثقیف، بنی‌حنیفه و بنی‌امیه خشنود نبودند. با این حال، طوفی تفسیر نخست را ترجیح می‌دهد؛ زیرا به نظر او «شجره» در معنای حقیقی خود (درخت) به کار رفته و تفسیر آن به بنی‌امیه مستلزم استعمال مجازی است، در حالی که حقیقت بر مجاز اولویت دارد (طوفی، ۱۴۲۶ ق، ج ۱، ص ۳۹۸-۳۹۹). این سخن نشان می‌دهد که ترجیح وی بیش از آنکه تاریخی یا روایی باشد، مبتنی بر یک قاعده اصولی-زبانی است.

قرطبی در ذیل همین آیه، از ابن عباس نقل می‌کند که مراد از «شجره ملعونه» بنی‌امیه هستند و به تبعید حکم بن عاص توسط پیامبر ﷺ اشاره می‌کند. وی همچنین سخن عایشه خطاب به مروان بن حکم را نقل می‌کند که گفته بود: «تو در صلب پدرت بودی آنگاه که خداوند او را لعنت کرد و تو نیز بخشی از آن لعنتی» (قرطبی، همان، ج ۱۰، ص ۲۸۶). این نقل نشان می‌دهد که قرطبی، با وجود گرایش عمومی به تفسیر زقوم، گزارش‌های مربوط به بنی‌امیه را نیز حذف نکرده است.

نظام‌الأعرج (م. ۷۲۸ ق.) نیز روایات مربوط به رؤیای پیامبر ﷺ و تطبیق «شجره ملعونه» بر بنی‌امیه را به نقل از ابن عباس و سعید بن مسیب، بدون هیچ نقد یا ارزیابی خاصی آورده است (نظام‌الأعرج، ۱۴۱۶ ق، ج ۴، ص ۳۶۱-۳۶۲).

خازن (م. ۷۴۱ ق.) می‌نویسد که گفته شده است پیامبر اکرم ﷺ در خواب دیدند فرزندان حکم بن عاص منبرایشان را همچون کودکان که توپ را دست‌به‌دست می‌کنند، میان خود می‌گردانند. وی در پاسخ به اشکال مکی بودن سوره اسراء تصریح می‌کند که مانعی ندارد پیامبر ﷺ در مکه رؤیایی ببینند که تحقق خارجی آن در مدینه واقع شود. با این حال، خازن در نهایت مراد از «شجره ملعونه» را درخت زقوم می‌داند که در سوره صافات توصیف شده است (خازن، ۱۴۱۵ ق، ج ۳، ص ۱۳۵).

ابوحیان اندلسی (م. ۷۴۵ ق.) نیز گزارش جامعی از روایات و اقوال پیشین ارائه می‌دهد، بی‌آنکه نقد یا ترجیح روشنی میان آنها مطرح کند (ابوحیان، ۱۴۲۰ ق، ج ۷، ص ۷۴-۷۷).

۷.۴. قرن دهم هجری

در قرن دهم هجری، با آثار جامع روایی، به‌ویژه الدر المنثور سیوطی، حجم روایات مربوط به این آیه به شکل چشمگیری افزایش می‌یابد و تنوع نقل‌ها به خوبی آشکار می‌شود.

سیوطی (م. ۹۱۱ ق.) از ابن عباس نقل می‌کند که مراد از «شجره ملعونه» درخت زقوم است (سیوطی، ۱۴۰۴ ق، ج ۴، ص ۱۹۱). در عین حال، وی مجموعه‌ای گسترده از روایات درباره رؤیای پیامبر ﷺ نقل می‌کند: از جمله از طریق ابن جریر طبری از سهل بن سعد که پیامبر ﷺ در

خواب دیدند گروهی «بنی فلان» همچون میمون از منبر ایشان بالا می‌روند؛ پیامبر اندوهگین شدند و تا زمان رحلت خندان دیده نشدند و در پی آن آیه «وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ» نازل شد. همچنین از ابن ابی حاتم به نقل از ابن عمر آمده است که پیامبر ﷺ فرزندان حکم بن عاص را همانند میمون‌ها بر منابر دیدند و آیه «وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا... وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ» در این باره نازل شد و در این نقل، حکم و فرزندانش مصداق «شجره ملعونه» معرفی شده‌اند.

سیوطی همچنین روایاتی از یعلی بن مره، حسین بن علی ع، سعید بن مسیب و عایشه نقل می‌کند که همگی به رؤیای پیامبر ﷺ درباره سلطه بنی‌امیه بر منابر و اندوه آن حضرت اشاره دارند. در برخی از این نقل‌ها، تصریح شده است که عایشه به مروان بن حکم گفته است: «از رسول خدا شنیدم که به پدر و جد تو فرمود: شما شجره ملعونه در قرآن هستید» (همان).

آلوسی (م. ۱۲۷۰ ق.) نیز این روایات را نقل می‌کند و در ادامه، با اشاره به جنایات بنی‌امیه -از جمله خون‌ریزی‌های گسترده، تصرف ناحق اموال، منع حقوق صاحبان حق و حکم به غیر ما انزل الله- زمینه لعن آنان را توضیح می‌دهد. وی سپس این پرسش را مطرح می‌کند که آیا لعن بنی‌امیه به صورت خاص در قرآن آمده است (چنان‌که شیعه می‌گوید) یا به صورت عام ذیل آیاتی مانند «إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» (احزاب/۵۷). آلوسی در نهایت به این نتیجه می‌رسد که لعن عام بنی‌امیه جایز است، اما لعن تک‌تک افراد آنان به صورت مشخص جایز نیست. با این همه، وی در پایان تصریح می‌کند که تطبیق آیه بر این روایات با سیاق آیه کاملاً سازگار نیست و علم به صحت نهایی این احادیث نزد خداوند است (آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۸، ص ۱۰۲-۱۰۳). از این رو، در کلام او نوعی **تردید روش‌مند** میان پذیرش محتوای تاریخی روایات و احتیاط تفسیری نسبت به سیاق آیه مشاهده می‌شود.

۷.۵. قرن چهاردهم هجری

در قرن چهاردهم هجری، گرایش غالب مفسران اهل سنت همچنان بر تفسیر «شجره ملعونه» به درخت زقوم باقی است، هرچند اقوال رقیب همچنان گزارش می‌شوند.

صدیق حسن خان (م. ۱۳۷۰ ق.) تصریح می‌کند که جمهور مفسران، «شجره ملعونه» را



درخت زقوم دانسته‌اند. وی سپس اقوال دیگری را نیز نقل می‌کند: از جمله اینکه مراد گیاهی پیچنده (کشوث)، شیطان، یهود یا بنی‌امیه باشد. او نقل منسوب به عایشه خطاب به مروان بن حکم - که بنی‌امیه را «شجره ملعونه» معرفی می‌کند - را دارای «نکارت» می‌داند و بدین‌وسیله اعتبار آن را زیر سؤال می‌برد (صدیق حسن خان، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۱۴۷-۱۴۸).

جمع‌بندی روایات و دیدگاه‌های اهل سنت

۱. تحلیل «الرؤیا الّتی أُرّیناک»

مفسران اهل سنت درباره ماهیت «رؤیا» در آیه، دو دیدگاه اصلی را مطرح کرده‌اند:

الف) رؤیای بیداری (مشاهده عینی)

طبری (م. ۳۱۰ق) ضمن نقل هر دو تفسیر، رؤیت با چشم و مشاهده عینی را ترجیح داده و آن را ذیل رخدادهایی همچون معراج یا مکاشفه‌های مشابه پیامبر ﷺ تفسیر می‌کند.

ب) رؤیای صادقه (خواب)

اکثریت مفسران و نقل‌های روایی، رؤیا را «رؤیای خواب» دانسته‌اند؛ از جمله ماتریدی (م. ۳۳۳ق)، ثعلبی (م. ۴۲۷ق)، ابن عطیه (م. ۵۴۲ق)، خازن (م. ۷۴۱ق) و سیوطی (م. ۹۱۱ق). محتوای این رؤیا و پیام‌های آن براساس روایات چنین است:

۱. محتوای رؤیا

روایات پرشماری از سهل بن سعد، ابن عباس، ابن عمر، و سعید بن مسیب گزارش می‌کنند که پیامبر ﷺ در خواب دیدند:

- گروهی از «بنی‌فلان»،
- «فرزندان حکم بن عاص»،
- یا به صورت صریح «بنی‌امیه»

بر منبر ایشان بالا می‌روند. گاه این افراد به «میمون» تشبیه شده‌اند و گاه به کودکانی که «توپ را دست‌به‌دست می‌کنند».

نیشابوری (م. ۵۵۳ق) نیز همین مضمون را نقل کرده و برخی گزارش‌ها، صریحاً بنی‌امیه را

فرمانروایانی معرفی می کنند که بر منابع مسلط می شوند.

۲. واکنش پیامبر ﷺ

روایات متعددی در آثار طبری، ثعلبی، ابن عطیه و سیوطی آمده است که پیامبر ﷺ پس از این خواب، بسیار اندوهناک شدند و «تا زمان رحلت، خندان دیده نشدند». این گزارش، شدت هولناک بودن آینده ای را که پیامبر ﷺ مشاهده کردند، نشان می دهد.

۳. رؤیا به مثابه «فتنه للناس»

مفسران اهل سنت این رؤیا را همان «فتنه» دانسته اند. ماتریدی و ثعلبی از سعید بن مسیب نقل می کنند که خطاب به پیامبر ﷺ گفته شد: «این فرمانروایی دنیا است که به آنان داده می شود و آزمایشی برای مردم است.» ابن عطیه نیز یادآور می شود که صعود بنی امیه بر منابع، امتحانی الهی برای امت اسلامی خواهد بود.

۴. مسئله مکی بودن سوره اسراء

خازن به اشکال مشهور پاسخ می دهد که وقوع رؤیا در مکه و تحقق خارجی آن در مدینه هیچ ناسازگاری با نزول آیه ندارد؛ زیرا رؤیا ناظر به آینده بوده است. این توجیه، سازگاری زمانی آیه را حفظ می کند.

۲. بررسی «الشجرة الملعونة في القرآن»

در میان مفسران اهل سنت، دو رویکرد اصلی درباره «شجره ملعونه» مطرح شده است:

الف) تفسیر غالب: درخت زقوم

این دیدگاه، که نظر «جمهور» مفسران به شمار می رود، «شجره ملعونه» را همان درخت زقوم می داند؛ درختی که قرآن در سوره دخان (آیات ۴۳-۴۶) آن را طعام دوزخیان توصیف می کند.

مفسرانی چون طبری، ثعلبی، ابن عطیه، خازن، سیوطی و صدیق حسن خان این تفسیر را ترجیح داده اند.

دلایل:



- ظهور لغوی واژه «شجره» در معنای حقیقی «درخت».
- انسجام آن با آیات دیگری که شجره زقوم را ذکر کرده‌اند.
- استقلال دو بخش آیه: «رؤیا» یک فتنه است؛ «شجره ملعونه» موضوعی دیگر، که قبلاً در قرآن آمده است.

در این دیدگاه، پیوند مستقیمی میان رؤیای پیامبر ﷺ و شجره ملعونه برقرار نمی‌شود.

ب) دیدگاه اقلیت: تطبیق بر بنی‌امیه

در برخی روایات و تفاسیر اهل سنت، شجره ملعونه بر بنی‌امیه تطبیق شده است. مستندات:

- روایاتی از ابن عباس در آثار قرطبی و سیوطی، که بنی‌امیه را شجره ملعونه معرفی می‌کنند.
- گزارش مواجهه عایشه با مروان بن حکم، که به او گفته است پدر و جدت همان شجره ملعونه‌اند.
- روایات فراوانی در تفسیر سیوطی درباره رؤیای پیامبر ﷺ و صعود امویان بر منبر.

نقد‌های داخلی اهل سنت:

- ابن عطیه این قول را «ضعیف» دانسته و آن را از صحابه نمی‌شمارد.
- صدیق حسن خان روایات عایشه را «منکر» و غیر قابل اعتماد می‌داند.
- آلوسی ضمن اذعان به ستم‌های گسترده بنی‌امیه، در تطبیق آیه بر آنان تردید می‌کند و آن را با «سیاق آیه» ناسازگار می‌بیند؛ هرچند لعن عام ستمکاران اموی را جایز می‌شمارد.
- طوفی بر اساس قاعده «تقدیم حقیقت بر مجاز»، تفسیر به زقوم را مقدم می‌داند.

نتیجه جمع‌بندی دیدگاه اهل سنت

- درباره رؤیا:
- گرایش غالب اهل سنت، رؤیای خواب و اشاره آن به سلطه سیاسی بنی‌امیه و تبدیل آن به «فتنه» برای مردم است. این بخش از آیه امری تاریخی. اجتماعی دانسته شده و مورد اتفاق

نسبی است.

• درباره شجره ملعونه:

رأی غالب: درخت زقوم.

رأی اقلیت: بنی امیه.

اما روایت‌های مربوط به بنی امیه، هرچند فراوان، از نگاه سندی یا سیاقی محل تردید شمرده شده‌اند.

آخرین نکته آنکه تنوع دیدگاه‌ها نشان می‌دهد مفسران اهل سنت میان ظاهر آیه، روایات تاریخی، پیامدهای کلامی، و اصول لغوی (حقیقت و مجاز) درگیر نوعی تناظر و تعارض تفسیری بوده‌اند؛ از این رو، رؤیا را غالباً با بنی امیه مرتبط دانسته‌اند اما «شجره ملعونه» را مگر در برخی منابع به آنان تطبیق نداده‌اند.

۳. نقاط اشتراک و افتراق دیدگاه شیعه و اهل سنت

آیه ۶۰ سوره اسراء ناظر به دو موضوع است: «رؤیای نبوی» و «شجره ملعونه». بررسی تطبیقی تفاسیر شیعه و اهل سنت نشان می‌دهد که همگرایی دو مکتب در بخش اول (رؤیا) بسیار زیاد و در بخش دوم (شجره) اختلاف قابل توجهی وجود دارد.

۳.۱. نقاط اشتراک: رؤیای نبوی به عنوان «فتنه للناس»

هر دو مکتب در چند محور هماهنگ‌اند:

۱) محتوای رؤیا

در روایت‌های هر دو گروه، پیامبر ﷺ افرادی را بر منبر خویش می‌بینند. این رؤیا معمولاً اشاره به تسلط سیاسی ناهلان پس از پیامبر ﷺ تفسیر شده است.

۲) تأثیر رؤیا بر پیامبر ﷺ

هر دو مجموعه گزارش می‌کنند که پیامبر ﷺ از این رؤیا سخت اندوهناک شدند.

۳) رؤیا به مثابه آزمون تاریخی

در هر دو دیدگاه، رؤیا ناظر به یک «فتنه» بزرگ است؛ یعنی آزمونی که امت اسلامی در آینده با آن روبه‌رو خواهد شد.



اهل سنت این فتنه را معمولاً «ملک اموی» تفسیر می‌کنند؛ شیعه آن را آغاز انحراف از مسیر امامت می‌داند.

۳.۲. نقاط افتراق: مصداق «شجره ملعونه»

اینجاست که اختلاف‌های بنیادین پدیدار می‌شود.

الف) دیدگاه شیعه: بنی‌امیه به عنوان مصداق قطعی

در منابع شیعی، «شجره ملعونه» به اجماع روایی به بنی‌امیه تطبیق شده است.

دلایل:

- تصریحات امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام.
- ارتباط مستقیم میان رؤیای نبوی و شجره ملعونه.
- شواهد تاریخی مانند گفت‌وگوی امام حسن علیه السلام با مروان.
- تحلیل کلامی از «لعن» به معنای طرد از رحمت خدا.

ب) دیدگاه اهل سنت: دوگانه زقوم / بنی‌امیه

۱) رأی غالب

- شجره ملعونه = درخت زقوم
- براساس ظاهر آیه، سیاق قرآنی، و تقدم «حقیقت» بر «مجاز».

۲) رأی اقلیت

- شجره ملعونه = بنی‌امیه
- مستند به روایاتی از ابن عباس و عایشه.
- اما: با نقدهای سندی و تردیدهای سیاقی مواجه.

جمع‌بندی تطبیقی

• اشتراک کامل در رؤیا:

هر دو مکتب، رؤیا را مرتبط با سلطه سیاسی آینده و فتنه‌ای بزرگ برای امت می‌دانند.

• افتراق اساسی در شجره ملعونه:

در شیعه: بنی‌امیه، به عنوان مصداق صریح و ریشه‌دار.

در اهل سنت: غالباً درخت زقوم؛ تطبیق بر بنی امیه در اقلیتی از روایات.

• دلایل اختلاف:

- تفاوت در پذیرش یا ردّ روایات تاریخی.
- اختلاف در اصول تفسیر: ظاهرگرایی در اهل سنت، پیوند روایی در شیعه.
- پیامدهای کلامی و تاریخی هر تفسیر.
- احتیاط برخی مفسران سنی نسبت به تطبیق مستقیم آیه بر شخصیت های تاریخی.

۳.۲. واگرایی بنیادین: مصداق یابی «الشَّجَرَةُ الْمَلْعُونَةُ»

الف) دیدگاه شیعه: تفسیر مصداقی. تاریخی

مفسران شیعه، با تکیه بر روایات صادره از ائمه اطهار علیهم السلام و پیوند روشن میان رؤیای نبوی و رخداد های تاریخی پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، بنی امیه را مصداق قطعی «شجره ملعونه» می دانند.

در این نگرش:

- «شجره» به معنای نسل، دودمان یا گروه انسانی فهمیده می شود.
 - بنی امیه به سبب عملکرد و سیره سیاسی خود، مشمول لعن الهی دانسته شده اند.
 - «شجره ملعونه» و محتوای رؤیای نبوی، دو جزء جدا شدنی نیستند و مجموعاً به مثابه پیش گویی پیامبر صلی الله علیه و آله از انحراف سیاسی. دینی آینده تفسیر می شوند.
- این برداشت با سیاق آیه، شواهد تاریخی، و مبانی کلام شیعی سازگار دانسته شده و در تفاسیر معتبر شیعه (قمی، عیاشی، طبرسی، طوسی، فیض) به عنوان دیدگاهی قطعی و متظافر نقل شده است.

ب) دیدگاه اهل سنت: تفسیر ظاهری. مبتنی بر احتیاط کلامی

در مقابل، جمهور مفسران اهل سنت «شجره ملعونه» را بر معنای حقیقی آن، یعنی درخت زقوم (طعام اهل جهنم)، حمل کرده اند.

ویژگی های این رویکرد:

- برخی روایات اهل سنت (منسوب به ابن عباس و عایشه) تطبیق شجره بر بنی امیه را ذکر



کرده‌اند، اما این روایات:

- در نظر جمهور مفسران معتبر و قابل اتکا شمرده نشده،
- و اغلب با نقد و تردید روبه‌رو شده‌اند (مانند سخنان ابن عطیه و آلوسی).
- دلیل این احتیاط، پرهیز از نسبت دادن یک تعبیر قرآنی مربوط به عذاب اخروی به یک گروه مشخص تاریخی، بدون نص صریح است.
- از نظر آنان، هر چند رؤیای پیامبر ﷺ ظهور بنی امیه را به عنوان فتنه‌ای بزرگ در آینده ترسیم می‌کند، اما «شجره ملعونه» به طور مستقل و بر اساس ظاهرات، درخت زقوم دانسته می‌شود.
- بنابراین، در سنت تفسیری اهل سنت، میان رؤیای نبوی (مرتبط با فتنه اموی) و شجره ملعونه (مرتبط با عذاب جهنم) نوعی تفکیک تفسیری برقرار شده است.

نتیجه

مطالعه تطبیقی روایات و تفاسیر شیعه و اهل سنت پیرامون آیه ۶۰ سوره اسراء نشان می‌دهد که:

نقاط اشتراک:

- هر دو مکتب رؤیای پیامبر ﷺ را ناظر به ظهور یک فتنه عظیم در آینده می‌دانند.
- مضمون رؤیا. دیدن بالا رفتن گروهی (در برخی روایات به صراحت بنی امیه) بر منبر پیامبر ﷺ. در هر دو سنت نقل شده است.
- هر دو می‌پذیرند که این رؤیا موجب اندوه شدید پیامبر ﷺ شد و خداوند آن را «فتنه‌ای برای مردم» توصیف کرده است.

نقاط افتراق:

- اختلاف اصلی در مصداق یابی شجره ملعونه است:
- دیدگاه شیعه: بنی امیه مصداق قطعی شجره ملعونه‌اند؛ شجره در اینجا به نسل انسانی تفسیر می‌شود و معنای آیه ناظر به انحراف سیاسی و حکومتی امت است.

در نتیجه، آیه به «طغیان کبیر» بنی امیه تفسیر می شود.

- دیدگاه اهل سنت: جمهور مفسران، شجره ملعونه را درخت زقوم می دانند؛ هرچند فتنه اموی در رؤیا را می پذیرند، اما تفسیر شجره بر بنی امیه را معتبر نمی شمارند.

جمع بندی نهایی:

- شیعه قرائتی تأویلی. تاریخی و مصداقی دارد که بر بنی امیه منطبق است.
- اهل سنت عمدتاً قرائتی ظاهری. لغوی دارند که شجره را به زقوم تفسیر می کند.
- با این حال، هر دو بر وجود انحراف و فتنه ای عظیم پس از پیامبر ﷺ هم نظرند.



فهرست منابع

قرآن، ترجمه فولادوند.

۱. آلوسی، محمود، **روح المعانی**، محقق: علی عبد الباری عطیه، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۲. ابن ابی حاتم، عبد الرحمن بن محمد، **تفسیر القرآن العظیم**، ریاض، مکتبه نزار مصطفی الباز، ۱۴۱۹ق.
۳. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، زاد المسیر، محقق: مهدی عبد الرزاق، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۲۲ق.
۴. ابن عطیه، عبد الحق بن غالب، المحرر الوجیز، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۲ق.
۵. ابو حیان، محمد بن یوسف، البحر المحیط، محقق: جمیل محمد صدقی، بیروت، دار الفکر، ۱۴۲۰ق.
۶. استرآبادی، علی، تاویل الآیات الظاهره فی فضائل العتره الطاهره، محقق: حسین استاد ولی، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۹ق.
۷. بحرانی، هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، موسسه البعثه، ۱۴۱۵ق.
۸. ثعلبی، احمد بن محمد، الكشف و البیان، تحقیق: نظیر ساعدی، ابی محمد ابن عاشور، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
۹. حائری طهرانی، علی، مقتنیات الدرر، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۳۸ش.
۱۰. حویزی، عبد علی بن جمعه، نور الثقلین، مصحح: هاشم رسولی، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
۱۱. خازن، علی بن محمد، تفسیر الخازن، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۱۲. رازی، ابوالفتوح، روض الجنان و روح الجنان، مصحح: محمد مهدی ناصح، محمد جعفر یاحقی، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.
۱۳. راغب، حسین بن محمد. مفردات الفاظ القرآن الکریم، بیروت، دار الشامیین، ۱۴۱۲ق.



۱۴. رضائی، مائده، تفسیر آیه ۶۰ سوره اسراء از دیدگاه مفسران فریقین، دوفصلنامه مطالعات تطبیقی قرآن و حدیث، شماره ۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۵ ش.
۱۵. سیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۱۶. شیبانی، محمد بن حسن، نهج البیان عن کشف معانی القرآن، قم، نشر الهادی، ۱۴۱۳ ق.
۱۷. صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن، قم، فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۶ ق.
۱۸. صدیق حسن خان، محمد صدیق، فتح البیان فی مقاصد القرآن، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۰ ق.
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، مصحح: فضل الله یزدی؛ هاشم رسولی، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۲۰. طباطبایی، محمد حسین، المیزان، مؤسسه الاعلمی، بیروت، ۱۳۵۲ ش.
۲۱. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۲ ق.
۲۲. طوسی، محمد بن حسن، التبیان، مصحح: احمد حبیب عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۲۳. طوفی، سلیمان بن عبد القوی، الاشارات الالهیه الی المباحث الاصولیه، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۶ ق.
۲۴. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه، ۱۳۸۰ ق.
۲۵. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۲۶. فضل الله، محمد حسین، من وحی القرآن، بیروت، دار الملائک، ۱۴۱۹ ق.
۲۷. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، الصافی، تصحیح: حسین اعلمی، تهران، مکتبه الصدر، ۱۴۱۵ ق.
۲۸. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۶۴ ش.
۲۹. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، تصحیح: طیب جزائری، قم، دارالکتاب، ۱۴۰۴ ق.



۳۰. قمی مشهدی، محمد رضا، کنز الدقائق، تصحیح: حسین درگاهی، تهران، وزارت فرهنگ و الارشاد الاسلامی، ۱۳۶۷ش.
۳۱. کاشانی، محمد بن مرتضی، تفسیر المعین، تصحیح: حسین درگاهی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، بی تا.
۳۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، محقق: علی اکبر غفاری، محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۳۳. ماتریدی، محمد بن محمد، تاویلات اهل السنه، محقق: باسلوم مجدی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۶ق.
۳۴. مغنیه، محمد جواد، التفسیر المبین، قم، دار الکتب الاسلامی، ۱۴۲۵ق.
۳۵. نظام الاعرج، حسن بن محمد، غرائب القرآن و رغائب الفرقان، محقق: زکریا عمیرات، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۶ق.
۳۶. نهاوندی، محمد، نفحات الرحمن، قم، موسسه البعثه، ۱۳۸۶ش.
۳۷. نیشابوری، محمود بن ابوالحسن، ایجاز البیان عن معانی القرآن، محقق: حنیف قاسمی، بیروت، دار الغرب الاسلامی، ۱۴۱۵ق.
۳۸. -----، وضع البرهان فی مشکلات القرآن، بیروت، دار القلم، ۱۴۱۰ق.